

نقاشی T شکل روی یک کفن متعلق به سده‌ی دوم پیش از میلاد که در مقبره‌ی شماره یک در ما وانگ - دویی یافت شد، و برای هدایت روح (زنی که در وسط ایستاده) به آسمان مورد استفاده قرار می‌گرفت. دو پلنگ و دو انسان نگهبانان «دروازه‌ی خورشیدی آسمان» هستند. در سمت راست، درخت توت اساطیری (فوسانگ) و نه خورشید سرخ، که یک کلاغ (روح خورشید) در بزرگترین آنها قرار دارد، دیده می‌شود. فوخی، خدای خورشید، که دمی ماریج دارد در نقطه‌ی مرکزی بالای تصویر قرار گرفته است؛ زنی که ماه را روی یک اژدها نگه داشته است احتمالاً نو-وا است.



یک وسه یافت شد.

نقاشی مربوط به مقبره‌ی شماره یک به سه بخش تقسیم می‌شود که از بالا به پایین، ملکوت، دنیای روزمره، و جهان مردگان را به تصویر می‌کشند. ملکوت و جهان مردگان با استفاده از تصاویر اساطیری نمایانده شده‌اند. ملکوت دارای نه خورشید سرخ رنگ است که به درخت توت اساطیری «فوسانگ» آویخته‌اند، همچنین یک هلال ماه که زیر آن زنی در حال پرواز است دیده می‌شود. دو اژدها نیز در طرفین قرار گرفته‌اند. در بزرگترین خورشید سرخ یک کلاغ طلایی و در ماه، یک وزغ و یک خرگوش سفید وجود دارد. یک مرد که دم پیچاپیچ و موهای بلندی دارد در مرکز نقاشی قرار گرفته است. این خدای خورشید، فوخی است. دو مرد دیگر که در آستانه‌ی دروازه‌ی آسمان قرار دارند به احتمال قوی

مأمور فراخواندن ارواح هستند. زنی پیر که مکان مرکزی دنیای روزمره را اشغال کرده، همان جسدی است که در مقبره‌ی شماره یک قرار دارد.

این نقاشی T شکل که جسد زن را می‌پوشاند به طور کلی شبیه همانی است که در مقبره‌ی شماره سه یافت شد؛ با این تفاوت که در آنجا نقشی که در مرکز تصویر وجود داشت متعلق به یک مرد بود. این نقاشی‌ها حاکی از اعتقاد به زندگی پس از مرگ در بهشت است جایی که تحت تسلط خدای خورشید است.

به نظر بسیاری از محققان، نقش خورشید، تکه‌ای ابر و دریا صورت ابتدایی الفبا و نگارش چینی بوده است. این موضوع شبیه نوشته‌های روی استخوان پیشگویی سلسله‌ی شانگ است (تقریباً ۱۵۰۰-۱۰۰۰ پیش از میلاد).

در این کاراکترهای باستانی و نظام یافته‌ی زبان چینی، خورشید بدین گونه تصویر شده است. معنای دیگر این نمودار تصویری «روز» بود، یعنی زمانی که خورشید در آسمان است. تلفظ چینی این کاراکتر «Ti» است.

به علاوه، بسیاری از کاراکترهایی که معنای «خوشبختی و فراوانی» می‌دهند شامل تصویر خورشید هستند. بی تردید ابداع‌کنندگان کاراکترهای چینی نه تنها آگاهی‌شان را از عملکرد خورشید در طبیعت به نمایش گذاشته‌اند، بلکه همچنین نشان داده‌اند که برای خورشید احترام قائل‌اند.

بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۴، باستان‌شناسان چینی سه مقبره متعلق به سلسله‌ی هان غربی (۲۰۶ قبل از میلاد تا ۲۴ بعد از میلاد) را در ماوانگ - دویی، در چانگ‌شای استان هونان حفاری کردند. در آن زمان، جسد سالمی که در مقبره‌ی شماره یک قرار داشت توجه همگان را برانگیخت - همسر یک اشراف‌زاده بود که احتمالاً حدود سال ۱۷۵ پیش از میلاد مرده بود. بقایای مقدس و تاریخی زیادی در این مقبره‌ها پیدا شد که جالب‌ترین‌شان دو نقاشی روی پارچه‌های ابریشمی T شکل بود که در مقبره‌های شماره‌ی

خورشید در فرهنگ چینی

هوآدائو

ترجمه حمید قربانی



ازدهای خاقانی و مروارید رخشان نماد خورشید

خورشید دیده می‌شود در مکان‌های مختلف یافت شده است. حتی جالب‌تر از اینها شاید تصویری باشد که خورشید، تکه‌ای ابر، و احتمالاً دریا، آتش و کوهستان را نشان می‌دهند. ظروف سفالی و دیگر بقایای مربوط در حفاری‌های دو مکان که حدود ۱۰۰ کیلومتر از یکدیگر فاصله دارند یافت شده است. مردمی که در این نواحی ساحلی زندگی می‌کردند، طبیعتاً با دیدن طلوع خورشید از دریا این نقش‌ها را ایجاد می‌کردند. کاملاً بدیهی است که این نقش‌های رمزی حاکی از احساس پرستش مردم نسبت به خورشید است.

تقدیس خورشید یکی از سنت‌های کهن چینی است. در آثار به جا مانده از فرهنگ نوسنگی یانگ شائو، در چین مرکزی (۵۰۰۰-۳۰۰۰ پیش از میلاد)، سفال‌هایی با نقش خورشید کشف شده‌اند. نقش خورشید در حفاری‌های مکان‌های استقرار فرهنگ نوسنگی دا-ون - کو (۴۳۰۰ - ۲۵۰۰ پیش از میلاد)، در چین شرقی، نزدیک سواحل دریای زرد و شبه جزیره شاندونگ، نیز یافت شده است. یک نمونه‌ی معمول از این فرهنگ، نقش یک خورشید هشت - پر است. ظروف سفالی که روی آنها این نقش جالب



چین افسانه‌ها و اسطوره‌های مربوط به خورشید نظام خاصی نداشتند. چیزی که موضوع را سخت‌تر می‌کند این است که بعضی از اسطوره‌ها از بین رفته‌اند. محققان دوره‌ی هان متوجه این امر شدند و منتهای سعی و کوشش خود را به عمل آوردند تا اسطوره‌های کهن‌تر را اعاده‌کننده و توضیح دهند. در عمل، آنها چند نظام جدید اسطوره‌شناسی ایجاد کردند. از اوایل یا حداکثر اواسط دوره‌ی سلسله‌ی هان غربی، نقاشی‌ها و کنده‌کاری‌های بسیاری از فوخی و نو-وا در نواحی مختلف چین به جا مانده است. نو-وا یکی از الهه‌های اساطیری بزرگ چین بود که گفته می‌شد جهان را آفریده است. فوخی نیز یکی از آفرینندگان بود.

افسانه‌های دوران پیش از سلسله‌ی کین با خورشید و ماه ارتباطی ندارند، اما در دوره‌ی هان، به تدریج خدای خورشید و الهه‌ی ماه به صورت یک زوج مزدوج ظاهر می‌شوند. در تصاویر، آنها سر و بدن انسان اما دم مار مانند (احتمالاً دم اژدها) دارند. دم آنها اغلب درهم پیچیده است. معمولاً فوخی یک خورشید در دست دارد و نو-وا یک ماه.

لازم به یادآوری است که اینها معمولاً نقاشی‌ها و کنده‌کاری‌های مقبره‌های دوران هان هستند، زمانی که مردم به خدایان و ارواح اعتقاد

سفر خود در آسمان را هر روز صبح سوار بر ارابه‌ی اژدها از فوسانگ (درخت توت افسانه‌ای) در شرق شروع می‌کرد؛ در حالی که مردم با رقص و آواز و به صدا درآوردن زنگ‌ها و طبل‌ها، چهره‌ی باشکوه او را تماشا می‌کردند. فرهنگ و هنر سلسله‌های کین (۲۲۱-۲۰۷ پیش از میلاد) و هان (هان غربی، ۲۰۶ پیش از میلاد - ۲۴ میلادی؛ هان شرقی، ۲۵-۲۲۰ میلادی) متأثر از افسانه‌ها و اسطوره‌های کهن است. دو امپراتور بزرگ این سلسله‌ها، کین - شی - هوانگ (اولین امپراتور سلسله‌ی کین، ۲۴۶-۲۱۰ پیش از میلاد)، که برای اولین بار چین را در ۲۲۱ پیش از میلاد متحد کرد، و هان - وو - دی (۱۴۰-۸۷ پیش از میلاد)، که در دوران سلطنتش اقوام هون را شکست داد، به کوه چنگ در منتهی‌الیه شرقی شبه جزیره‌ی شاندونگ می‌رفتند و مراسم ستایش خورشید، همچون گوی مرصعی که از دریا سر برمی‌آورد، را برگزار می‌کردند. شاندونگ پهنه‌ی شرقی فرهنگ چین بود، جایی که فرهنگ دا-ون - کو و اسطوره‌های خورشید امپراتور چون شکوفا شد. سلسله‌ی هان غربی همچنین مراسمی برای ستایش فرمانروای شرق، خدای خورشید دولت سابق چو برگزار می‌کرد. چین سرزمینی پهناور با فرهنگ‌های گوناگون است. از این رو، در

بسیاری از سنگ نبشته‌های موجود در چین نیز بر پرستش خورشید گواهی می‌دهند. حوزه‌های مربوط به کوه‌های یین‌شان و هلان‌شان مناطق مهمی در چین شمالی هستند. در اینجا، سنگ نبشته‌ها با استفاده از قلم - چکش، روی صخره‌ها یا تخته سنگ‌های بزرگ سنگتراشی و حکاکی شده‌اند؛ این سنگ نبشته‌ها پس از هزاران سال فرسایش ناشی از باد و باران هنوز هم کاملاً واضح و خوانا هستند. مضمون این سنگ‌نبشته‌ها گوناگون است و موضوع‌هایی مانند حیوانات اهلی و وحشی، شکار، گله‌داری، و صحنه‌هایی از رقص را دربرمی‌گیرد. همچنین تصاویر زیادی از اجرام سماوی مانند خورشید، ماه و ستارگان و پرستش آنها به چشم می‌خورد. اما تعداد کنده‌کاری‌های مربوط به خورشید از دیگر اجرام سماوی بیشتر است. این موضوع نشان دهنده‌ی مقام والای خورشید و خدای خورشید در اذهان توده‌ی مردم و حکاکان دوره‌ی باستان است.

سنت کنده‌کاری مدت زیادی، از عصر نوسنگی تا اوایل عصر آهن و پس از آن ادامه یافت. ساختارها و منظره‌های کنده‌کاری شده پراکنده‌اند و نظم خاصی ندارند. برعکس، هنرمندان اولیه‌ی جنوب غربی چین باورها و شیوه‌ی زندگی خود را عمدتاً به وسیله‌ی نقاشی روی تخته سنگ‌ها به نمایش می‌گذاشتند. این نقاشی‌ها در استان‌های یونان و گوانگ‌خی به وفور یافت می‌شود. همچنین برعکس کنده‌کاری‌های چین شمالی، در اینجا منظره‌ها و صحنه‌های نظام یافته‌ی زیادی، همراه با مردمی که به طور گروهی در حال رقص و تکریم خورشید هستند، به چشم می‌خورد. خورشید به شکل یک مرد نشان داده شده است. از این رو منطقی است اگر تصور کنیم که ادراک آنها از خدای خورشید چنین بوده است.

قداستی که چینیان باستان برای خورشید و خدای خورشید قائل بودند در افسانه‌ها و اسطوره‌های چینی ثبت شده است. شان - های - چینگ کتاب کوه‌ها و اقیانوس‌ها، اثری با نقاشی‌های زیاد، کهن‌ترین مجموعه‌ی اسطوره‌های چینی است. این اثر کار یک مؤلف تنها نیست. بخش عمده‌ی این کتاب در دوره‌ی بهار و پاییز (۷۷۰-۴۷۶ پیش از میلاد) و دوره‌ی دولت‌های جنگجو (۴۷۵-۲۲۱ پیش از میلاد) تکمیل شد، در حالی که آخرین بخش آن در زمان سلسله‌ی هان غربی نوشته شد. در این اثر، الهه‌ی خورشید به نام «خی‌هه» یکی از همسران امپراتور جون (دیجون)، مهم‌ترین خدای این کتاب، است. او ده خورشید برای این خدای بزرگ به دنیا آورد. او و فرزندانش در تانگ - گو (دره‌ی کرم‌ها)، جایی که یک درخت توت افسانه‌ای در آن قرار داشت، زندگی می‌کردند. این ده خورشید معمولاً در قسمت پایین درخت توت می‌خوابیدند. هر روز صبح، مادر، یکی از بچه‌ها را در رودخانه‌ی تانگ - گو، شست و شو می‌داد. سپس فرزند می‌توانست بر پشت یک کلاغ بنشیند و به بالای درخت پرواز کند و از آنجا به سیر و حرکت در پهنه‌ی فضا بپردازد. به این ترتیب، ده فرزند به نوبت کار خورشید را انجام می‌دادند. علاوه بر الهه‌ی خورشید، امپراتور جون همسر دیگری داشت به نام چانگ - یی که دوازده ماه برای او به دنیا آورد؛ چانگ - یی نیز هر روز فرزندانش را حمام می‌کرد. با توجه به اینکه بند مربوط را به چانگ - یی در فصل مربوط به نواحی غربی قرار دارد، منطقی است اگر فرض کنیم که این الهه ماه در غرب زندگی می‌کرد.

معمولاً خورشید برای انسان‌ها، که او را می‌پرستیدند و مقدس می‌شمردند، نور و گرما به ارمغان می‌آورد، اما گاه خشکی و تشنگی نیز به همراه داشت.

گفته می‌شود که یک بار ده خورشید قانون را شکستند و همه با همه در آسمان ظاهر شدند. بر اثر گرمای شدید، تمام سطح زمین سوخت و عده‌ی زیادی از گرسنگی جان سپردند. یی (Yi)، کمانگیر بی‌همتا، نزد خورشیدها رفت و از آنها خواست که به خانه بازگردند، اما نتوانست کاری از پیش ببرد.

پس، یی با تیر و کمان خود خورشیدها را یکی پس از دیگری سرنگون کرد. فقط یکی از آنها جان سالم به در برد. این اسطوره نشان دهنده‌ی پیروزی انسان بر طبیعت در عهد باستان بود.

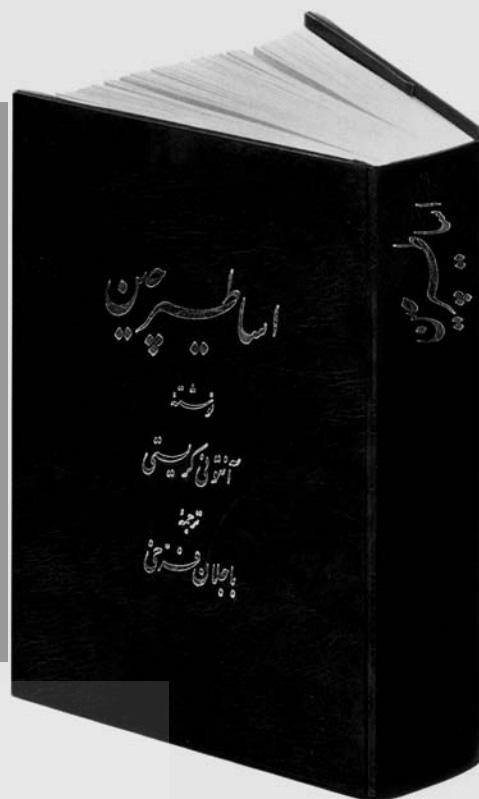
اگرچه امپراتور جون و همسرانش چهره‌های افسانه‌ای کتاب‌شان - های هستند، فرمانروایان سلسله‌ی شانگ این امپراتور را اولین نیای خود می‌دانستند و خورشید نزد آنان بسیار مقدس بود. مطالب زیادی در این مورد در نوشته‌ها و نقوش روی استخوان پیشگویی وجود دارد که حاکی از مراسمی است که صبح‌ها در انتظار برآمدن خورشید و شب‌ها برای دیدن غروب خورشید برگزار می‌شد؛ در این مراسم، گاو قربانی می‌کردند. پادشاهان و بزرگان سلسله‌ی شانگ باور داشتند که با اجرای این مراسم می‌توانند پس از مرگ نزد خدایان به زندگی ادامه دهند.

اقوام سلسله‌ی ژوی غربی (تقریباً ۱۱۰۰-۷۷۱ پیش از میلاد) نیز خورشید را مقدس می‌دانستند. با وجود فریافت کلی و مطلق آنها از آسمان (عظیم‌ترین پدیده‌ی جهان)، خورشید هنوز نماد اصلی آسمان در ذهن آنان بود. از این رو در مراسم بزرگ پرستش آسمان، خورشید عنصر اصلی به شمار می‌رفت.

دوران سلسله‌ی شانگ و سلسله‌ی ژو (ژوی شرقی، حدود ۷۷۰-۲۲۱ پیش از میلاد) دورانی پررونق برای تولید ابزار و ادوات مفرغی در چین بود. هنوز هم تولیدات مفرغ زیادی از آن زمان باقی مانده است. مهم‌ترین آنها ظروف مربوط به مراسم قربانی است که روی آنها نمادهای دایره و گرداب، که در مرکز آن یک دایره‌ی کوچک قرار دارد، دیده می‌شود. در بعضی از طراحی‌های ساده‌تر، دایره‌ی کوچک وجود ندارد. این نوع نماد، که نشانه‌ی ti (روز) است، در کنده‌کاری‌های روی ابزار و ادوات مفرغی و استخوان پیشگویی دیده می‌شود و در ساخت حروف الفبا نیز به کار رفته است. منطقی نیست اگر تصور کنیم که لوازم مفرغی منقوش به این نمادها فقط برای پرستش آسمان و ملکوت به کار می‌رفته‌اند.

دوران سلسله‌ی ژوی شرقی، دوره‌ی بهار و پاییز و دوره‌ی دولت‌های جنگجو نیز نامیده شده است. در این دوران چین گرفتار پراکندگی سیاسی بود که در پی آن فرهنگ بومی دولت‌های مختلف گسترش یافت.

افسانه‌ها و اسطوره‌های گوناگون درباره‌ی خورشید توانست در سرزمین‌های مختلف به حیات خود ادامه دهد. مثلاً، کو-یوان، شاعر بزرگ دولت چو (در دره‌ی مرکزی رود یانگ تسه)، در یکی از شعرهایش می‌گوید: هر روز یکی از ده خورشید سوار بر اربابه‌ای که شش اژدها آن را می‌کشند و توسط مادرشان، «وخی‌هه»، مهیا شده است از شرق به غرب طی مسیر می‌کند. او از یک خدای خورشید دیگر در دولت چو، به نام فرمانروای شرق (ژنگ - جون)، نیز نام می‌برد. این فرمانروای مشهور



افسانه‌های دوران پیش از
سلسله‌ی کین با خورشید و
ماه ارتباطی ندارند، اما در
دوره‌ی هان، به تدریج خدای
خورشید و الهه‌ی ماه به
صورت یک زوج مزدوج
ظاهر می‌شوند

به سختی می‌توان پذیرفت که تمام این صورت‌های مربوط به خورشید، ماه، و مانند آن را سازندگان این معابد و مردم ساکن در این نواحی پرستش می‌کردند؛ اما نقاشی‌هایی که به وضوح نشان دهنده‌ی پرستش خورشید هستند در معابد هزار بودا یافت شده‌اند.

معبد ۷۶ در زمان سلسله‌ی تانگ (۶۱۸-۹۰۷ میلادی) ساخته شد. روی دیوار شمالی تالار اصلی، تصویری از Ekadasamukhavalokitesvara، یکی از شش تصویر Avalokitesvara (یکی از روشن بینان) دیده می‌شود. در بعضی از افسانه‌های بودایی آمده است که Avalokitesvara تجسد (تناسخ) سوریا، خدای خورشید هندی هاست و بارگاه این بود هی ساتوا در خورشید است. افسانه‌ها همچنین حکایت می‌کنند که مومنان به آیین بودا، وقتی با مشکلی روبه‌رو می‌شدند، می‌توانستند با زمزمه کردن نام Avalokitesvara خود را برهانند. سازندگان این معابد تصویر Ekadasamukhavalokitesvara را به سبک چینی نقاشی کرده‌اند. در اینجا، هنر و فرهنگ چین و هند که به پرستش خورشید مربوط است در کنار هم قرار می‌گیرند.

علاوه بر آیین بودا، آیین‌های زرتشت و مانی نیز در چین گسترش یافت. آیین زرتشت در اینجا زیاد تأثیرگذار نبود، اما آیین مانی، که چینی‌ها آن را «دین نور» می‌نامیدند، صاحب نفوذ بود. در زمان سلسله‌ی تانگ، معابد مانوی در پایتخت و دیگر شهرهای چین بنا گردید. این معابد را «دا - یون - گوانگ - مینگ»، یا «معابد بزرگترین ابرونور» می‌نامیدند و عده‌ای از مردم چین، اگر چه کمتر از بودایی‌ها، پیرو این مذهب شدند و نور و خورشید را مقدس شمردند. در جنوب شرقی چین، مجسمه‌ای از مانی در کوان ژو (زایتون) وجود دارد.

همچنین نقاشی‌ها و نوشته‌های مانوی زیادی در ترکستان چین، جایی که اویغورهای مانوی پس از شکست از قرقیزها در ۸۴۰ میلادی در آن

معبد ۲۴۹ در زمان سلسله‌ی «وی» غربی، سلسله‌ی مربوط به قبیله‌ی تو-پا (جوئوان) از استپ‌های شمالی، ساخته شد. در ضلع غربی پانل غرق شده‌ی میانی، تصویری از آسورا که خورشید و ماه را در دستانش گرفته دیده می‌شود. آسورا در هند خدای پلیدی بود (اما آسوراها / اهوراها در ایران خدایانی نیرومند و خیرخواه بودند)، که اغلب با ساکرا د و انام ایندرا در جنگ و ستیز بود. وقتی او با این فرمانروای تریاستر مسا می‌جنگید، می‌توانست با دستش جلوی خورشید و ماه را بگیرد. در این تصویر، آسورای قوی و تنومند، مطابق افسانه‌های هندی، چهار چشم و چهار دست دارد، که دو تا از آنها را بالا گرفته تا جلوی خورشید و ماه را بگیرد؛ او در اقیانوس ایستاده است. در سمت چپ و راستش، خدای تندر و خدای آذرخش و دیگر شخصیت‌های اساطیری دیده می‌شوند.

معبد ۲۸۵ نیز در دوران سلسله‌ی وی غربی ساخته شد. در ضلع شرقی پانل غرق شده، تصویری از مانی، مروارید معجزه‌گر در افسانه‌های بودایی، وجود دارد. این مروارید را دو خدای نیرومند بالا آورده‌اند، و فوخی (خدای خورشید چینی‌ها)، و نو-وا (خدای ماه چینی‌ها)، با شتاب به طرف آن در حرکتند. خورشیدی که یک کلاغ طلایی در آن قرار دارد، به گردن فوخی آویخته است و ماهی که یک وزغ در آن دیده می‌شود به گردن نو-وا است. فوخی و نو-وا به ترتیب یک گونیای نجاری و یک پرگار در دست دارند. این دو ابزار نجاری نماد خدای خورشید و خدای ماه در اساطیر چینی بوده‌اند. در ضلع غربی پانل غرق شده، دو خدای تندر نقاشی شده‌اند. وانگ چونگ، از نویسندگان دوره‌ی هان، می‌گوید تصویر تندر مانند رشته‌ای از استوانه‌های طبل مانند است و خدایان تندر خدایانی نیرومند هستند.



یشم «پی» متعلق به فرهنگ نوسنگی لیانگ ژو (حدود ۳۳۰۰-۲۲۰۰ پیش از میلاد) که در سال ۱۹۷۳ در کاوشخانه شان استان جیانگ سو از زیر خاک بیرون آورده شد. لوح مدوری که وسط آن سوراخ شده باشد نماد جاودانگی آسمان و یشم است.

یشم «تسونگ» نشانه‌ی زمین است. این یشم به فرهنگ لیانگ ژو تعلق دارد و در سیدون، استان جیانگ سو، از زیر خاک بیرون آورده شده است.

تصویر متداول ماه در دوره‌ی هان عبارت بود از ماهی که یک وزغ یا یک خرگوش سفید یا هر دو در آن قرار داشت. تصویر ماهی که یک وزغ در آن قرار دارد را شاعری به نام گو-یوان (حدود ۳۴۰-۲۷۸ پیش از میلاد) مورد استفاده قرار داده است. در هوای - نان - زی، اثری مربوط به دوره‌ی هان، نیز به وزغ در ماه اشاره شده و گفته شده است که وزغ روح ماه است. در سرزمین‌هایی که جاده‌ی ابریشم از آنها می‌گذشت، وزغ نشانه‌ی حاصلخیزی بود، اما هنوز توضیح قانع‌کننده‌ای در مورد تصاویر ماه و وزغ در چین وجود ندارد.

و اما در مورد اسطوره‌های ماه و خرگوش سفید، آنها را می‌توان در کشورهای زیادی، از جنوب آسیا گرفته تا آمریکای لاتین، یافت. در گذشته، بعضی از محققان گمان می‌کردند که اسطوره‌ی ماه و خرگوش سفید چینیان به وسیله‌ی بودیسم از هند آمده است، اما با قضاوت از روی آثار تاریخی به جا مانده از اوایل دوره‌ی هان غربی، مشخص شده است که ارتباط بین خرگوش سفید و ماه نزد چینیان پیش از آشنایی با آیین بودا وجود داشته است. اگر چه اسطوره‌ی خرگوش سفید در ماه بومی چین بوده، اما فرهنگ و هنر خورشید و دیگر اجرام نورانی مسلماً از فرهنگ‌های بیگانه نیز تأثیر گرفته است.

در اواخر دوره‌ی هان غربی، آیین بودا به تدریج در چین صاحب نفوذ شد. آیین بودا ابتدا در قلمرو غربی (آسیای مرکزی) و سپس در نواحی رودخانه‌های زرد و یانگ تسه نمایان شد. دون هوانگ در کنار جاده‌های مهم ابریشم قرار داشت. معابد غار مانند هزار بودا نزدیک دون هوانگ از دستاوردهای شگفت‌انگیز آیین بودا هستند. در این معابد نقاشی‌های دیواری زیادی به سبک هندی در مورد خورشید و هنر مربوط به آن وجود دارد.

داشتند. آنها امید داشتند که پس از مرگ با خدایان، به ویژه خدای خورشید و ماه، زندگی کنند.

علاوه بر فوخی و نو-وا افسانه‌های دیگری هم وجود داشت. بر طبق یکی از این افسانه‌ها، خدای خورشید یاندی (امپراتور یان)، پادشاه جنوب، بود که بر تابستان فرمان می‌راند و نشانش آتش بود؛ در حالی که نشان فوخی، پادشاه شرق، که بر بهار فرمان می‌راند چوب بود؛ نشان شائو هائو، پادشاه غرب، که بر پاییز فرمان می‌راند فلز بود؛ نشان ژوان خو، پادشاه شمال، که بر زمستان فرمان می‌راند آب بود؛ و بالاخره نشان هوانگ دی، پادشاه نواحی مرکزی خاک بود. این افسانه با نظریه‌ی پنج عنصر (چوب، آتش، آب، خاک، و فلز) ارتباط دارد. بعدها، چینیان یاندی و هوانگ دی را در زمره‌ی نیاکان اولیه خود قرار دادند.

تصویر هنری اصلی خورشید در دوره‌ی هان عبارت از خورشیدی بود که یک کلاغ در آن قرار دارد. منشأ این افسانه مشخص نیست. «رساله‌ی پنج عنصر» در تاریخ هان (هان شرقی) اظهار می‌دارد که در سال ۱۱۸ میلادی، خورشید حنایی رنگ شد، و روی آن سایه‌ی سیاهی به شکل یک زاغ نقش بست؛ این وضع چند ماه ادامه داشت.

می‌توانیم فرض کنیم که این تصویر خورشید (منظور خورشیدی است که یک کلاغ در آن قرار دارد) از مشاهدات مشابه نجومی حاصل شده است.

ماه یکی دیگر از اجرام نورانی است که انسان‌ها به مشاهده‌ی آن پرداخته‌اند. اما خدای ماه نزد چینیان مقام بالایی نداشت. پس از گسترش مفهوم یین و یانگ (نظریه‌ی نیروهای مثبت و منفی) در دوره‌ی هان غربی بود که ماه به طور رسمی مورد پرستش قرار گرفت.



ظرفی به نام «دینگ» که با تصاویری از خورشید و ماه تزئین شده است. در زمان سلسله‌ی مینگ که این ظرف مفرغی برای معبد چنگ هوانگ (خدای شهرنشینان چینی متعلق به عالم سفلی) ساخته شد (۱۵۸۲)، ازدها نقش قابل توجه‌تری پیدا کرده بود.

طراحی معمول روی سطح، یک خورشید تابان است. اگر چه بحث‌های زیادی در مورد عملکردها و معانی نمادهای گوناگون روی نوردها وجود دارد، ترسیم یک خورشید تابان نشان دهنده‌ی نگرشی قداست بار نسبت به خورشید است. همچنین وزغ‌هایی را می‌بینیم که در حاشیه‌ی سطح نوردها چمباتمه زده‌اند. این نگاره تاسده‌ی اول پیش از میلاد، یعنی اواخر دوره‌ی دومین نوع نوردها ظاهر نمی‌شود. منشأ این نوع نگاره استان گوتانگ‌خی، منطقه‌ی خود مختار قوم ژوانگ، است. بعضی محققان خاطر نشان کرده‌اند که در بسیاری از مناطق گوانگ‌خی، مردم قوم ژوانگ رسم پرستش وزغ را حفظ کرده‌اند. آنها فستیوال وزغ را در اولین روز سال قمری جشن می‌گیرند و دعا می‌کنند که سال پر محصولی داشته باشند. ممکن است خورشید تابان و وزغ‌های چمباتمه زده در سطح نوردها چیزهای مورد پرستش مردم در جنوب شرقی چین باستان بوده باشد، همچنان که در مورد بسیاری از دیگر اقوام آسیایی چنین بوده است.

جینگ به او اشاره کرده است) به وجود آمد، در قوم‌هان به اندازه‌ی ناحیه‌ی اقلیت‌های جنوب غربی چین مورد توجه نبود. حتی بعضی از این اقلیت‌ها او را نیای خود می‌دانند.

احترامی که اقلیت‌های جنوب غربی چین برای خورشید قائل بودند، به ویژه در نوردهای مفرغی نمایان است. بیش از پانزده هزار قطعه از این نوع آلات مفرغی در جنوب غربی چین، و حدود سیصد قطعه در بعضی از نواحی جنوب شرقی یافت شده است.

به تازگی، باستان‌شناسان چینی این نوردها را به هشت دسته تقسیم‌بندی کرده‌اند. قدیم‌ترین نوع آنها از مقبره‌های مربوط به سده‌ی هفتم پیش از میلاد در ناحیه‌ی چو خیونگ (در حوالی کون مینگ)، استان یونان، بیرون آورده شده است. در سطح و بدنه‌ی آنها طرح‌های بسیار ساده‌ای به چشم می‌خورد. این نوع طراحی تاسده‌ی پنجم پیش از میلاد ادامه داشت. از آن پس، طراحی‌ها ظریف و ظریف‌تر شدند.

ساکن شدند، دیده می‌شود. بعدها در زمان پنج سلسله (۹۰۷-۹۶۰) و سلسله‌ی شونگ (۹۶۰-۱۲۷۹)، آیین مانی در شرق چین گسترش بیشتری یافت و حتی رهبران شورش دهقان‌ها در شعارها و تبلیغات‌شان از آن استفاده می‌کردند. دین نیلوفر سفید و بعضی از دیگر ادیان رایج در دوران سلسله‌ی یوان (مغول) (۱۲۷۱-۱۳۶۸)، سلسله‌ی مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴)، و سلسله‌ی کینگ (نوچین - منچو) (۱۶۴۴-۱۹۱۱) وارث سنت‌های قدرتمند مذهب سابق نور بودند. منشأ اولیه‌ی مینگ (روشنی) به «دین نور» بازمی‌گشت.

پس از سلسله‌های کین و هان، اگرچه مفهوم انتزاعی آسمان و ملکوت در چین ریشه دواند، اما هنوز مراسم رسمی تقدیس خورشید به طور منظم و پیاپی تا سقوط سلسله‌ی کینگ (آخرین سلسله‌ی چین) برگزار می‌شد. تصاویر خورشید و ماه اغلب برای نشان دادن دانایی، عدالت و الوهیت فرمانروایان به کار برده می‌شد. گفتنی است که بعضی از سلسله‌های تاریخی چین، مانند لیائو، جین، یوان، و کینگ را مردمان چادرنشین استپ‌های مغولستان تأسیس کردند. این چادر نشینان دین شمعی داشتند و خورشید و دیگر اجرام نورانی را پرستش می‌کردند.

خیونگ‌نوها (هون‌ها) را سیما - کیان، تاریخ‌نویس بزرگ چین در سده‌ی اول پیش از میلاد، در گزارش‌های تاریخی خود توصیف کرده است. بنابر توصیفات او، فیونگ‌نوها نیاکان، آسمان و زمین، خدایان و ارواح را پرستش می‌کردند. فرمانروای آنان، چان - یو، خود را «چان - یوی بزرگ خیونگ یو، نظر کرده‌ی آسمان» یا «چان - یوی بزرگ، فرزند آسمان و زمین، نظر کرده‌ی خورشید و ماه» می‌نامید. اما خورشید مهم‌ترین خدا در بین خدایان آنها بود، از این رو، چان - یو هر روز صبح از چادر خود بیرون می‌رفت و مراسم طلوع خورشید را برگزار می‌کرد. همچنین شامگاهان چادر را ترک می‌کرد و طلوع ماه را جشن می‌گرفت.

اقوام ترک نژاد استپ نیز خورشید را می‌پرستیدند. در چادرهای خاقان‌ها روبه شرق بود زیرا آنها خورشید صبحگاهی را مقدس می‌شمردند. خاقان‌های اویغور، یکی از قبیله‌های ترک زبان، معمولاً عنوان «کون‌آی تانگریدا... خاقان» را داشتند، که در آن «کون» به معنای خورشید و «آی» به معنای ماه بود.

سلسله‌ی لیائو را اقوام خیتای که به تدریج بر چین شمالی (شامل استپ مغولستان) مسلط شدند، پس از فروپاشی سلسله‌ی تانگ در سال ۹۰۷ پایه‌گذاری کردند. آنها آسمان و زمین را محترم می‌شمردند و خورشید را نیز در مناسبت‌های گوناگون، مانند سالروز تولد ملکه، پرستش می‌کردند. شواهد اندکی مبنی بر مقدس بودن ماه نزد آنان وجود داشت. حتی در «رساله‌ی زمامداران نظامی» در تاریخ لیائو آمده است که هنگام گردآمدن ارتش برای جنگ، امپراتور باید مقامات بلند پایه و ژنرال‌ها را در مراسم مربوط به آسمان، زمین و خورشید رهبری کند؛ اما برای ماه، گاوهای سیاه و اسب‌های سفید قربانی می‌کردند.

مغول‌ها که مناطق وسیعی از آسیا و اروپا را تسخیر کردند و سلسله‌ی یوان را در چین پایه‌گذاری کردند، به آیین ابتدایی شمنیسم معتقد بودند و خورشید و ماه همچنین آسمان و زمین، و آتش و آب را مقدس می‌شمردند. ژان پلانو کارپینی، راهب فرانسیسی، فرستاده پاپ اینوسنت چهارم

(۱۲۴۳-۱۲۵۴) به دربار امپراتوری مغول بود. وقتی او از استپ اروپا آسیا گذشت، مغول‌ها را دید که هنگام خوردن و نوشیدن ابتدا به خورشید و سایر چیزها پیشکش می‌کردند، به ویژه صبح قبل از خوردن یا حتی نوشیدن چیزی.

تقدیس خورشید و دیگر اجرام نورانی هنوز در میان بعضی از اقلیت‌های شمال چین دیده می‌شود. قوم الون در ناحیه‌ی کوهستان خینگال لینگ بزرگ در شمال شرقی چین زندگی می‌کنند. آنها در اولین روز سال قمری مراسمی برای خورشید برگزار می‌کنند و در پانزدهمین و بیست و پنجمین روز این ماه به ستایش ماه می‌پردازند. آنها در صحبت‌هایشان به خورشید قسم می‌خورند و در مشکلات به درگاه خورشید نیایش می‌کنند. مردمان آلتایی - اوریانگ کای در نواحی شمالی استان خین جیانگ خورشید و ماه را ارج می‌نهند و هر روز صبح به تقدیس خورشید می‌پردازند. آنها چای و شیر به طرف خورشید می‌پاشند، سه بار آن را نیایش می‌کنند، و سپس صبحانه می‌خورند. این مراسم روزانه را همه‌ی افراد خانواده یا یک نفر به نمایندگی از طرف آنها اجرا می‌کند. اما مراسم

پس از سلسله‌های کین و هان، اگرچه مفهوم انتزاعی آسمان و ملکوت ریشه دواند، اما هنوز مراسم رسمی تقدیس خورشید به طور منظم و پیاپی تا سقوط سلسله‌ی کینگ (آخرین سلسله‌ی چین) برگزار می‌شد

پرستش ماه برای مردان و زنان (که به زبان تووا صحبت می‌کنند. متفاوت است. مردان هلال ماه را پرستش می‌کنند در حالی که زنان به تقدیس ماه کامل می‌پردازند.

اقلیت‌های جنوب چین نیز خورشید و دیگر اجرام نورانی را پرستش می‌کنند. مثلاً مردمان قوم یی (Yi) در استان‌های سی چوان، یوان، و گویی چو در مناسبت‌های مختلف، خورشید و ماه را به سبب عدالتشان نسبت به تمام جهانیان مناجات می‌کنند. در قوم یائو، استان گوانگ‌خی، شعری ملی به نام «می - لوتو - توتو» وجود دارد؛ نام این شعر از یک الهه‌ی آفریننده که خورشید را با گردن بند نقره‌ای‌اش، ماه را با گوشواره‌های نقره‌ای‌اش، و انسان‌ها را از موم زنبور (پوست)، گلابی (سر)، موز (بدن)، میله‌های پهن (پاها)، و گرزهای چوبی (دست‌ها) آفرید، گرفته شده است.

پان - گو خالق اساطیری آسمان و زمین بود. افسانه‌ی او تا دوران سه دولت (۲۲۰-۲۶۵ میلادی) در جایی دیده نمی‌شود. گفته می‌شود که وقتی این آفریدگار مرد، چشم‌هایش به خورشید و ماه تبدیل شدند. اگر چه این شخصیت اساطیری اولین بار در ده‌ی رودخانه‌ی زرد (شان) - های -